

دبای
 اول ز تو بود آشنایی نه ز من و آخر ز تو طاست این جزایی نه ز من
 مگر هم صد بار ز رفت دارم که جواب تستی و وفای نه ز من
 سیلاب غمت ز خورد و آمد جگم نشیند بر حفا بر جگر آمد جگم
 هر که مرا ز دغف نام نهاد بخت خلم ناخلف آمد جگم
 عمر بست آرد عشق تو در می بادم نوشیده جنانا کس نداند مرا
 که بر باد بال شیب و روز بی منت تو چه عشقها من باز م
 در روز بزم همیشه در کشور ما جان عود بود همیشه در محرم ما
 در روز بزم سران آرد دور از بر ما مادوست کشیم تو نزاری سرما
 در روز بزم از خدی که کمز آمد الف بصیرت لام
 بنده آن که در چهره خود
 1957
 سر در بنام جنانا مستی با ما من جنانا می
 زلامه و بیچارگی طهارت مردمی و ما خولیا بر زری ساری الله اعلم
 ای که خواهی که در این عالم کز ما کورتی در زار که پشم تو ای خورشید

Copyright © King Saud University